



خاورمیانه و هسته‌ای است. او مؤلف کتاب «ایران و آمریکا گذشته شکست‌خورده و راهی به‌سوی صلح» است. استیون میلر، استاد علوم سیاسی در دانشگاه هاروارد و مدیر برنامه امنیت بین‌المللی در مرکز علم و امور بین‌الملل بلفر؛ سردبیر مجله امنیت بین‌المللی و عضو آکادمی علوم و هنر آمریکا‌ست. او نویسنده کتاب استراتژی و بازدارندگی هسته‌ای است. ماتیو بان، استاد انرژی، امنیت ملی و سیاست خارجی در مدرسه علوم سیاسی کندی در دانشگاه هاروارد است. آخرین کتاب او «دشمن خودی» نام دارد. کیهان برزگر، استاد روابط بین‌الملل در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس سابق مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه در تهران است. او مؤلف کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه» بین حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و تحولات عربی ۲۰۱۱ است. حسین بنایی، دانشیار مطالعات بین‌المللی در مدرسه مطالعات بین‌المللی و جهانی در دانشگاه ایندیانا در بلومینگتون است. او همراه با جان تیرمن یکی از نویسندگان کتاب جمهوری‌های اسطوره‌ای روایت‌های ملی و منازعه ایران و آمریکا است. رابرت ریردان، فارغ‌التحصیل علوم سیاسی از مؤسسه فناوری ماساچوست و دانشیار مدرسه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی است؛ عنوان رساله دکتری او «چانه‌زنی هسته‌ای؛ کاربرد هویج و چماق در منع گسترش هسته‌ای» است. عباس ملکی، استاد سیاستگذاری انرژی در دانشگاه صنعتی شریف و معاون اسبق وزارت امور خارجه ایران (۱۹۸۵-۱۹۹۷) است.

دوتن از برجسته‌ترین نویسندگان این کتاب یعنی جان تیرمن و رابرت جرویس در فاصله انتشار نسخه انگلیسی و برگردان فارسی درگذشته‌اند اما با وجود گذشت زمان از مقالات این کتاب دیدگاه علمی و کنکاش موضوع از نگاه استادان و پژوهشگران بین‌المللی ارزش این کتاب را دوچندان کرده است. مقاله نخست به قلم رابرت جرویس با عنوان «ایالات متحده و ایران؛ برداشت‌ها و تله‌های سیاست» با گزاره‌ای که آغاز کرده امروز کاملاً دور از ذهن به نظر می‌رسد: «ممکن است تا زمان انتشار این کتاب، آمریکا و ایران درگیر جنگ شده باشند». با این حال لحن نویسندگان مقالات همدلانه است و درصدد هستند انگیزه‌ها و خواسته‌های طرفین را در موضوع با بی‌طرفی و دیدگاه روشن درک و تبیین کنند.

مقاله دوم برداشت ایرانی‌ها از سیاست‌های ایالات متحده در مورد ایران دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به قلم سیدحسین

موسویان یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در ابتدای مطرح شدن این پرونده نیز به بررسی یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در قبال رابطه دو کشور پرداخته است و با توجه به شناخت و آگاهی موسویان از موضوع، به‌خوبی خطوط اصلی این دیدگاه را روشن کرده است. این مقاله از مقالات ماندگار این کتاب است و می‌تواند همیشه راهگشا و روشن‌کننده وضعیت رابطه ایران و آمریکا از نگاه رهبری ایران باشد. موسویان در بخشی از این مقاله می‌نویسد: «این دیدگاه‌های عمومی آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان مبنایی برای اهداف سیاست خارجی ایران در نظر گرفته می‌شوند؛ اهدافی که امروزه شامل موضوع هسته‌ای نیز می‌شود. مواضع رهبر انقلاب ایران در طول دو دهه گذشته همواره ثابت و بیان‌کننده دیدگاه روشنی از جایگاه ایران در جهان و بر مبنای الف) حقوق حاکمیتی‌اش به‌عنوان عضوی مسئول در جامعه بین‌الملل و ب) وظیفه‌اش در حمایت از منافع مسلمانان سراسر جهان بوده است. سوابق مکتوب درباره این مواضع روشن است. اولین و مهمترین مسئله این است که آیا آمریکا به دنبال تغییر نظام در ایران است یا خیر. آیت‌الله خامنه‌ای قاطعانه بر این باور است که نگاه دولت آمریکا به جمهوری اسلامی مبتنی بر نفی موجودیت این نظام است. ایشان معتقد است حتی درخواست‌های مکرر ایالات متحده از ایران مبنی بر تغییر رفتار به منزله مقدمه‌ای برای سلب هویت اسلامی ایران است تا دولتی دست‌نشانده در ایران مستقر و از منابع طبیعی آن بهره‌برداری کند. مسئله غیرعادی این است که بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و تجاوز عراق به خاک ایران، همه قدرت‌های جهانی با وجود آنکه در نود درصد موارد با یکدیگر اختلاف‌نظر داشتند با حمایت از صدام ثابت کردند که همه متفق القول معتقد بودند باید این درخت نوپا ریشه‌کن شود و شعله انقلاب اسلامی خاموش شود. اظهارات خصمانه آمریکایی‌ها سوءظن‌ها را نسبت به ایالات متحده تشدید کرد تا جایی که حتی تلاش‌های جدی رئیس‌جمهور، اوپاما، برای تعامل با ایران نیز صادقانه تلقی نشد. این موضوع زمانی آشکار شد که اوپاما در دو نوبت مستقیماً به رهبر انقلاب نامه نوشت و پیشنهاد کرد که بر نارضایتی‌های گذشته غلبه و روابط مبتنی بر احترام متقابل را احیا کنند. آیت‌الله خامنه‌ای با احتیاط نسبت به عقب‌گردهای گذشته و نیات واقعی آمریکا، به نامه اول پاسخ مثبت داد و چشم‌اندازی را برای نزدیکی روابط ایجاد کرد. با این‌حال، این فرصت دیری نپایید. حمایت ایالات متحده از معترضان در جریان انتخابات مورد مناقشه ریاست‌جمهوری ایران در ۲۰۰۹ به‌عنوان تلاشی برای براندازی تلقی شد. نامه دوم اوپاما از سوی آیت‌الله خامنه‌ای پاسخی دریافت نکرد. او در این‌بار گفته بود: «کدام رفتار را بساور کنیم؟ آیا او به دنبال برقراری روابط مبتنی بر اعتماد و احترام است یا اینکه مردم در مخالفت با نظام به خیابان بیایند؟» او ادامه می‌دهد که به باور ایران هدف آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران نیز خنثی کردن پیشرفت‌های علمی ایران است.

تفسیری از دشمن سرسخت برداشت‌های آمریکا از ایران به قلم ماتیو بان و استیون میلر و برداشت‌های ایران از سیاست آمریکا در منطقه به قلم کیهان برزگر دو مقاله هستند که هر یک برداشت‌های یک‌سو از سوی دیگر را تشریح کرده است. ماتیو بان و استیون میلر در مقاله خود با عناوین دشمن بالذات، حکومت دینی شرور، رژیم ستمگر، دشمن سرسخت و سرکش، حامی تروریسم، تهدیدی برای اسرائیل، رقیب متحدان خلیج‌فارس آمریکا و تهدید هسته‌ای به بیان سرفصل‌های برداشت آمریکایی از ایران پرداخته‌اند. سفارش مقالات متناسب با هم به نویسندگان و پژوهشگران برجسته ایرانی و آمریکایی از مزیت‌های عمده این کتاب محسوب می‌شود. جان تیرمن در مقاله بعدی به بررسی برداشت‌های آمریکا از سیاست ایران در قبال منطقه پرداخته است و حسین بنایی نیز در مقاله بعدی با عنوان آینده روابط ایران و آمریکا در کنار مقاله آخر با عنوان بهبود روابط ایران و آمریکا و غلبه بر سوگیری‌های برداشتی به قلم عباس ملکی و رابرت ریردان به بررسی آینده روابط دو کشور پرداخته است.

▼ نتیجه‌گیری

نویسندگان این کتاب که از پژوهشگران و سیاست‌گذاران سابق ایرانی و آمریکایی در امور بین‌الملل هستند، تلاش کرده‌اند تا لفاظی و شعارپردازی‌هایی را که تاکنون مشخصه بسیاری از بحث‌های میان طرفین بوده است، کنار بگذارند و با درگیر شدن با دیدگاه‌های یکدیگر به مسئله شکست روابط میان دو کشور بپردازند. هدف ایجاد زمینه‌های مشترک و دقیقاً همان چیزی بوده است که عنوان این کتاب نشان می‌دهد. شناسایی سوءبرداشت‌ها و سوءتفاهم‌های قابل حل که طبیعتاً میان دو طرف بروز می‌کند یکی از تلاش‌های این اثر است که در عین حال به دنبال این است که در کجا

می‌توان منافع مشترکی یافت و در کجا می‌توان اختلافات را مدیریت کرد تا هیچ‌یک از طرفین اقداماتی را انجام ندهند که منجر به منازعات پرهزینه شود و در نهایت به منافع هر دو ملت آسیب برساند. در این کتاب سعی شده به بررسی و ارائه راه‌حل‌هایی برای نزدیکی در انگاره‌ها و تفکرات ریشه‌داری که منجر به جدایی این دو کشور از یکدیگر شده است، پرداخته شود؛ تلاشی برای فراتر رفتن از برداشت‌های خصمانه‌ای که خصوصاً از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ بر روابط ایران و آمریکا سایه افکنده است، در واقع آنچه این اثر را از ادبیات تاریخی متمایز می‌کند، ایده‌هایی است که در این باره از سوی نظریه‌پردازان این کتاب ارائه می‌شود اما در نهایت آنچه در این کتاب جای آن خالی است، نظریه‌پردازی درباره آینده روابط ایران و آمریکا‌ست.

کتاب بر این باور است که طنز اصلی در شکست ایالات متحده و ایران برای بهبود روابط و حل و فصل اختلافات باقیمانده در این است که دو کشور از بسیاری جهات برای تبدیل شدن به شرکای استراتژیک و اقتصادی، کاملاً مناسب یکدیگرند. ایالات متحده و ایران منافع مشترک مهمی دارند. از جمله جریان آزاد نفت در خلیج فارس، ثبات در عراق و افغانستان و بهره‌برداری و ترانزیت امن منابع نفت و گاز. از بسیاری جهات، این حوزه‌های منافع مشترک نسبت به حوزه‌هایی که دو دولت منافع‌شان با یکدیگر در تضاد است، وزن سنگین‌تری دارند. روابط ایران و آمریکا اکنون در نقطه‌ای حساس قرار دارد؛ انتخاب‌هایی که در ماه‌ها و سال‌های آینده درباره برنامه هسته‌ای و سایر مسائل مبرم انجام می‌شود، رویدادهای محتمل و بلندمدت آینده را مشخص می‌کند. ایران مجبزه به سلاح هسته‌ای یا حملات هوایی ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند هرگونه بهبود در روابط را برای آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی مسدود سازد. به همین ترتیب روابط با طرف‌های ثالث - کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، عراق، روسیه، چین و سوریه - نیز تأثیر مهمی بر روند آینده روابط ایران و آمریکا خواهد داشت. به‌راحتی می‌توان تلاش‌ها برای بهبود روابط میان ایالات متحده و ایران را به‌ویژه در شرایط فعلی ساده‌لوحانه تلقی کرد. موانعی بر سر راه نزدیکی این دو کشور تحمیل می‌شوند و هر گونه تلاش جدی برای پر کردن شکاف میان دو پایتخت از نظر سیاسی برای رهبران هر دو کشور خطرناک خواهد بود. به همین ترتیب، مواضع ایالات متحده و ایران در مورد چندین موضوع مهم آشتی‌ناپذیر به نظر می‌رسد. با این حال، واقعیت این است که در بلندمدت حساب کردن روی هر یک برای دیگری اجتناب‌ناپذیر است. ایران با داشتن یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز در جهان و جمعیت نسبتاً زیاد (که به زودی از آلمان بیشتر خواهد شد)، نرخ سواد نسبتاً بالا و طبقه گسترده متوسط و تحصیلکرده، می‌تواند بازاری استثنایی باشد که با هیچ کشور دیگری در منطقه قابل قیاس نیست و به سختی قابل جایگزینی است. وضعیت موجود در هر دو طرف ناپایدار است. بازار ایران و سهم آن از منابع نفت و گاز جهان، موقعیت استراتژیک و جمعیت زیاد و رو به رشد آن، همگی باعث شده است ایران ناگزیر به بازیگر بزرگ سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای، اگر نگویم جهانی، تبدیل شود. این واقعیتی است که ایالات متحده به ناچار باید خود را با آن وفق دهد. به موازات آن نیز، گسترش مداوم و جهانی فرهنگ آمریکایی، هنجارهای دموکراتیک و سرمایه و فناوری که همگی جذابیت داخلی زیادی در ایران دارند، در نهایت باید از سوی محافظه‌کاران در تهران که این نیروها را تهدیدی وجودی می‌بینند، در نظر گرفته شوند. تاریخ هوادار هیچ‌یک از دو طرف نیست. تلاش برای کاهش تنش میان ایالات متحده و ایران و تقویت همکاری و ارتباطات بهتر، به این معنا نیست که دو طرف ملزم به پذیرش بی‌قید و شرط دیدگاه‌های یکدیگر یا مشروعیت سیاست‌ها یا سیاستگذاری‌های یکدیگرند. با این حال، هر دو طرف باید بپذیرند که در صورت انزوای دیپلماتیک یا استفاده از نیروی نظامی، نمی‌توانند به بهترین نحو منافع‌شان را دنبال کنند؛ چنین رویکرد عمل‌گرایانه‌ای نسبت به روابط در فرهنگ سیاسی هیچ‌یک از دو کشور بیگانه نیست. ایالات متحده مدت‌هاست با کشورهای غیردموکراتیک که نظام‌ها و اعتقادات سیاسی‌شان اساساً با هنجارهای غربی متفاوت است به‌طور تمام و کمال رابطه برقرار کرده است. در برخی موارد ایالات متحده اتحادهای طولانی‌مدتی را با چنین کشورها از جمله چندین متحد مهم خود در خاورمیانه حفظ کرده است. دلیل اینکه ایالات متحده این موضع را اتخاذ کرده، معمولاً این است که بتواند از رهگذر روابط دوستانه به بهترین شکل بر این کشورها تأثیر بگذارد اما در مورد ایران خلاف این رویکرد را در پیش می‌گیرد. نیروهای سیاسی بی‌شماری در ایران وجود دارند که مایلند شاهد حرکت کشور به سوی فضای بازتر و اصلاحات دموکراتیک باشند. اگر واشنگتن سیستم سیاسی‌ای را که این نیروها در آن فعالیت می‌کنند بپذیرد و این بهانه را که ایالات متحده تهدیدی سازش‌ناپذیر است از چنگ مخالفان داخلی‌شان درآورد، بیش‌تر می‌تواند به آنها کمک کند. ایران عمل‌گرایی مشابهی را در سیاست خارجی خود نشان داده است و به‌دنبال بهبود روابط با اتحاد جماهیر شوروی، روسیه، چین، سوریه، هند و بسیاری از کشورهای دیگر، به‌رغم تفاوت‌های گسترده ایدئولوژیک، فرهنگی و مذهبی بوده است.

دیپلمات‌ها



پاسخ ایران به گزارش مدیرکل آژانس

یادداشت توضیحی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به گزارش‌های مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای حکام از سوی نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد دفتر سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، منتشر شد. در این یادداشت آمده‌است: «جمهوری اسلامی ایران همواره به‌طور کامل به تعهدات خود از جمله موافقت‌نامه پادمان جامع تلاش خود را به کار گرفته تا آژانس بتواند به‌طور مؤثر فعالیت‌های راستی‌آزمایی خود را در ایران از جمله اقدامات نظارتی و مراقبتی (C/S) در مورد مواد و فعالیت‌های هسته‌ای ایران انجام دهد.» تهران در این یادداشت تصریح می‌کند: «تصمیم ایران برای توقف اجرای تعهدات خود تحت برجام کاملاً مطابق با حقوق ذاتی کشور طبق بندهای ۲۶ و ۳۶ بر جام و در پاسخ به خروج غیرقانونی آمریکا از برجام، همراه با ناتوانی سه کشور اروپایی در پایبندی به تعهدات خود بود. این واقعیت آشکار به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مبنایی برای سه کشور اروپایی برای خودداری از اجرای تعهدات خود باشد.» در این متن آمده‌است: «در مورد موضوع مربوط به اصطلاح، دو مکان، باید تأکید کرد که منشأ موضوع به اتهاماتی برمی‌گردد که در درجه اول از سوی یک طرف ثالث بدنیت، یعنی رژیم اسرائیل مطرح شده است، که تعهدی نسبت به‌هیچ‌یک از اسناد مرتبط با منع تسلیحات کشتار جمعی به‌ویژه معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) ندارد و مکرراً بر خلاف قطعنامه‌های متعدد کنفرانس عمومی آژانس، از جمله به ویژه اسناد شماره ۴۰۷، ۱۹۸۳؛ ۴۴۴، ۱۹۸۵؛ ۴۷۵، ۱۹۸۷ و ۹۳۹، ۱۹۹۰ که هیچ کدام مورد احترام این رژیم قرار نگرفته است، مؤسسات هسته‌ای ایران که برای اهداف صلح‌آمیز اختصاص داده شده‌اند را تهدید به حمله می‌کند. این رژیم آنقدر گستاخ بوده که اخیراً ایران را به حمله اتمی نیز تهدید کرده است. همچنین بیانیه نتانیاهو که به صورت زنده در سراسر جهان پخش شد و در آن آمده است که «ایران باید با یک تهدید هسته‌ای معتبر مواجه شود» یادآوری می‌گردد. همچنین وزیر میراث که نیز گفت، «به‌کارگیری بمب هسته‌ای یکی از گزینه‌های حمله علیه حماس خواهد بود». مدیرکل در مناسبت‌های مختلف در گزارش خود با استفاده از الفاظی که بیانگر توضیح عینی، تخصصی و فنی نیست، بلکه رویکردی سیاسی دارد ابراز نظر کرده که باید از آن پرهیز می‌کرد. اشاره مدیرکل به «همکاری ناکافی»، به کلی همکاری ایران با آژانس در زمینه‌های مختلف از جمله در بیانه‌های مشترک را نادیده گرفته‌است.»



ایرانیان منعی برای ورود به کشور ندارند

علیرضا بیگدلی، معاون کنسولی، مجلس و امور ایرانیان وزارت امور خارجه گفت: «طی دو سال گذشته ۱۲ هزار ۷۷۰ نفر تقاضای خودشان را در سامانه پرسمان تردد ثبت کردند که این تعداد مورد رسیدگی قرار گرفته است. از این تعداد درخواست ۳۰۱ نفر دارای پرونده قضایی در محاکم دادگستری بودند که به آنها اعلام شده است و به باقی افراد نیز اعلام شده که هیچ مشکلی برای ورود و خروج از کشور ندارند.» وی ادامه داد: «تعداد زیادی از ایرانیان خارج از کشور به وطن خود تردد می‌کنند و ۸۵۰ هزار نفر در سال مطابق آمار سال ۹۸ به کشور تردد دارند. البته بعد از کرونا آمار کاهش پیدا کرده ولی امسال مجدد به این آمار خواهیم رسید.»